

لغو "حکم اعدام" دکترسید هاشم آقاچری را نباید با پذیرفتن و صحه گذاشتن بر اختیارات فراقانونی "حکم حکومتی" برای مقام رهبری معاوضه کرد !

پس از فاجعه دلخراش ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تغییر جوّ سیاسی حاکم بر جهان ، همانطور که ما سوسیالیستهای ایران قبلاً نیز متذکر شدیم ، پرزیدنت بوش بدون اینکه خواسته باشد به محتوی قراردادهای بین المللی و حقوق ملتها و کشورهای جهان و همچنین حقوق بشر توجه نماید ، کوشش دارد تا تحت عنوان **"مبارزه با تروریسم"** حاکمیت و سیطره کامل ایالات متحده آمریکا را بر جهان مستولی نماید. در همین رابطه بود که پرزیدنت بوش با تبلیغات جنجالی خود دولت های ایران ، عراق و کره شمالی را **"محورشیطنانی"** نامید ، و از این طریق سعی نمود تا سمت و سوی **"مبارزه با تروریسم"** در سطح جهان را متوجه این کشورها بنماید.

در این بین باوجود اینکه دولت کمونیستی کره شمالی علناً اعلان نمود که به برنامه اتمی اش همچنان ادامه داده است و تکنولوژی اتمی در اختیار دارد ، اما آن دولت از طریق روابط دیپلماتیک کوشش دارد تا راه حلی برای این مشکل پیدا کند. دولت صدام حسین نیز از طریق برخی دولتهای عربی و اروپائی و حتی پذیرفتن آخرین قطعنامه شورای ملل متحد سعی نموده است تا وضعیت و فضای سیاسی ای بوجود آورد تا ارتش ایالات متحده آمریکا نتواند به سادگی به آن کشور حمله کند . در عوض بخشی از هیئت حاکمه ایران با تمام نیرو سعی به تروریزه کردن جامعه ایران نموده و همچنان به قانون شکنی و خدشه دارکردن حقوق ملت ایران ادامه می دهد و از اینکه پرزیدنت بوش چنین موضع خصمانه ای نسبت به ایران اتخاذ کرده است ، بسیار خوشحال بنظر می رسد.

برای بخشی از هیئت حاکمه جمهوری اسلامی ، حفظ قدرت و ثروت در محور اصلی تمام امور و فعل و انفعالات کشور قرار گرفته است .
سیاستهای غلط و عملکردهای سرکوبگرانه این جناح سبب شده است که این حضرات بهیچوجه نتوانند از طریق اجرای قانون اساسی موقعیت فعلی خود را حفظ کنند ، بلکه حفظ قدرت و ثروت های چپاول شده را فقط از طریق ایجاد جوّ اضطرابی ، برپا کردن آشوب و در حقیقت جوّ جنگی ممکن می بینند. در همین رابطه است که از یکسو آقای حسین شریعتمداری نماینده ولی فقیه در روزنامه دولتی کیهان تهران ، حکم ترور (حکم قتل) سه نفر کشیش آمریکائی را اعلام می کند و خواستار ترور آنها می شود ، از سوی دیگر دوستان و همفکران این جناب حکم اعدام برای دکترسید ابوالقاسم آقاچری صادر می کنند و برای عده از فعالین

سیاسی و فرهنگی مؤسسه پژوهشی نظرسنجی آینده همچون بهروز گرانپایه ، عباس عبدی و دکتر حسین قاضیان بعنوان جاسوس بیگانه پرونده سازی می کنند و بنا بر حکم قاضی مرتضوی آنها را بازداشت می کنند.

اما اعتراضات علیه عملکرد جناح تمامیت خواه و قوه قضائیه در ایران و حتی در سطح جهان ، بخصوص از سوی دانشجویان و بخشی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بالا می گیرد .
چون محتوی سخنرانی آقای دکتر هاشم آقاجری ، همان متنی که ایشان در رابطه با بزرگداشت دکتر علی شریعتی در شهر همدان بیان کرده است ، بیانگر کوچکترین توهینی به پیامبر و دین اسلام نیست ، صدور حکم اعدام که در واقع یک حکم سیاسی است و نه حقوقی ، برای قوه قضائیه جمهوری اسلامی مشکل ایجاد نموده است . دکتر آقاجری بخوبی می داند که در گفتارش توهینی به "مقدسات اسلام" نکرده است .
بیان جملاتی همچون " رابطه دین شناسان با مردم ، رابطه معلّم و متعلّم است ، نه رابطه مراد و مرید . نه رابطه مقتّد و مقتّد که مردم از او تقلید بکنند . مگر مردم میمون هستند که از او تقلید کنند؟! " بهیچوجه نمی تواند جنبه توهین با خود به همراه داشته باشد ، بلکه دکتر آقاجری با گفتار خود پرده از ماهیت یلید و ریاہ کار بخشی از " روحانیت دولتی" برداشته است . وی تا کنون حاضر نشده است به حکم اعدام اعتراض کند و تقاضای فرجام نماید . اگر چه از سوی عده ای ، از جمله رئیس مجلس تحت فشار قرار گرفته است .

آنچه از مردم ایران که از چگونگی ساختار حکومتی ایران ، بخصوص "دولت پنهانی مافیا قدرت و ثروت" اطلاع دارند، بخوبی می دانند که این حکم - حکم اعدام - بر پایه خواست جمعیت مؤتلفه اسلامی آقای حبیب الله عسگر اولادی مسلمان و افرادی همچون آیت الله مصباح یزدی و آیت الله هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه ، آنهم بخاطر زهر چشم گرفتن از دیگر منتقدین و فعالین سیاسی صادر شده است . البته ، قبلاً توافق و رضایت بیت آیت الله سید علی خامنه ای مقام رهبری نیز برای صدور چنین حکم ارتجاعی ، جلب شده است . جمعیت مؤتلفه اسلامی و آقای عسگر اولادی و مؤتلفینشان در جناح تمامیت خواه هیئت حاکمه ، بخاطر اینکه نفوذ زیادی در مجلس خبرگان رهبری دارند ، هر آن می توانند و برایش امکان دارد که با بر پا کردن توطئه ای ، مقام رهبری را تحت عنوان قانون شکنی و یا نداشتن شرایط رهبری از نظر قانونی از مقامش عزل کنند ! روشن است که در تحلیل نهائی مقام رهبری ، حتی اگر هم خود مایل نباشد

موظف است در رابطه با مسائل اساسی ، بنفع جناح تمامیت خواه موضع گیری کند.

در حقیقت ایران به ملکِ طلق آقایانی همچون حبیب الله عسکراولادی مسلمان تبدیل شده است. محتوی پاسخی که این حضرت به نامه آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی در رابطه پیشنهاد و تقاضای آقای دکتر یزدی بخاطر شرکت در بحثی که بین آقایان حبیب الله عسکراولادی مسلمان دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی و دکتر محمد رضا خاتمی دبیر کل جبهه مشارکت اسلامی در جریان است ، بیانگر این واقعیت تلخ است که این جناب " شاهنشاهی سپاس " ، چگونه حقوق و اختیاراتی برای خود قائل شده است و در عوض کوچکترین ارزشی برای شهروندان ایرانی که همچون ایشان نمی اندیشند قائل نیست!

در رابطه با "حکم اعدام" دکتر آقاجری ، آقای مهدی کربوبی رئیس

مجلس شورای اسلامی نقشی دو گانه بازی می کند. از سوئی ایشان زمانیکه اعتراضات بالا می گیرد و دیده می شود که این حکم ارتجاعی بخاطر جو سیاسی که به همراه خود ایجاد کرده است به سادگی نمی تواند بمرحله اجرا در آید ، بخصوص که دکتر آقاجری حاضر نیست که حکم دادگاه قرون وسطائی را برسمیت بشناسد و در این رابطه است که به حکم ارتجاعی و قرون وسطائی ، اعتراض نمی کند و از حق فرجام می گذرد . آقای کربوبی حکم دادگاه جمهوری اسلامی علیه آقاجری را " حکمی ننگین " ، می نامد - امری که نمی تواند مورد تائید آزادی خواهان قرار نگیرد و با ایشان در این موضوع مشخص همصدا نشد - ، اما از سوی دیگر ایشان از دکتر آقاجری می خواهد که به حکم اعتراض نماید و به آیت الله هاشمی شاهرودی اعتراض دارد که چرا به حکم حکومتی مقام رهبری توجه مبذول نمی دارد . این جناب بطور آگاهانه تصمیم دارد " حکم حکومتی " را به بخشی از حقوق فراقانونی مقام رهبری در آورد و آنرا به یک " سنت " در جامعه ایران تبدیل کند .

در این مورد مشخص ایشان و آقای قوامی رئیس کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی از رئیس قوه قضائیه می خواهند ، همانطور که نمایندگان مجلس شورای اسلامی از "حکم حکومتی" مقام رهبری در رابطه با حق قانونگذاری در باره قوانین مطبوعات اطاعت کردند ، رئیس قوه قضائیه هم موظف است که به "حکم حکومتی" مقام رهبری گردن نهد !

بنظر ما سوسیالیستهای ایران هر نوع عملکردی که بر خلاف چارچوب قانون اساسی باشد ، حال از سوی هر مقام ، ارگان و نهادی که باشد نباید مورد تائید قرار گیرد. قبول "حکم حکومتی" ، یعنی قبول " حکومت

استبدادی" بر رهبری آیت الله سید علی خامنه ، امری که شدیداً با روح و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در تضاد است و محکوم است !

ما سوسیالیستهای ایران به نیروهای سیاسی ایرانی که ادعای آزادیخواهی و قانونمداری دارند ، بخصوص به آن بخش از هیئت حاکمه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که خود را " اصلاح طلب " می نامند ، یاد آور می شویم :

اگر چه با تمام نیرو باید بخاطر لغو حکم اعدام دکتر سید هاشم آقاجری مبارزه کرد . آزادی دکتر آقاجری و تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی را خواستار شد . ولی با صدای بلند باید با "حکم حکومتی" بمبارزه برخاست .

" حکم حکومتی " یعنی قبول استبداد ، امری که نه تنها در مغایرت کامل با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار دارد ، بلکه پذیرفتن آن حرکتی است به عقب و در واقع عملکردی هست ارتجاعی و بهیچوجه نمی تواند با امر "اصلاحات " و "اصلاح طلبی" هماهنگی و همسوئی داشته باشد . حتی نیروهائی که خود را محافظه کار (کنسرواتیو) می نامند ، نباید همچون نیروهای ارتجاعی حاضر به عقب گرد چرخهای تاریخ باشند!

لغو حکم اعدام دکتر سید هاشم آقاجری را نباید با پذیرفتن و صحنه گذاشتن بر اختیارات فراقانونی " حکم حکومتی " برای مقام رهبری معاوضه کرد!

در همین رابطه ضروریست به این مسئله نیز اشاره کرد که در ایران در محافل مختلف شایع است که مرحوم دکتر علی رضا نوری و همراهانشان در اثر تصادف رانندگی جان خود را از دست نداده اند ، بلکه مرگ ایشان و همراهانشان قتل عمدی است که از سوی مافیای قدرت و ثروت طرح ریزی شده و بمرحله اجرا در آمده است، آنهم بدین خاطر تا اجازه ندهند چگونگی پرونده گوشت های فاسد بر ملاء شود؟

رضا رحیم پور - مسئول سازمان سوسیالیستهای ایران - شاخه دانمارک
۳۰ آبانماه ۱۳۸۱

socialistha@ois-iran.com
www.ois-iran.com